

بازیگرانی که سال ۱۴۰۱ از کشور خارج شدند الان در چه وضعیتی هستند؟

سه سال تاریخ انقضا داشتید



محمدحسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

جوک‌ها و لبنیات با هم رابطه عکس دارند. درباره تاریخ انقضا حرف می‌زنم؛ هرچقدر زمان جلوتر رفت، جوک‌ها تاریخ انقضایشان کوتاه و کوتاه‌تر شد اما لبنیات تاریخ انقضایشان بیشتر و بیشتر. از این حیث آدم‌ها به جوک‌ها شبیه‌ترین‌ها ماست و دوغ. حتماً این جوک را که زمانی بامزه بود شنیده‌اید؛ «یکی زمین خورد، واسه این که ضایع نشه، تادم در خونه‌شون سینه‌خیز رفت» این جوک زمانی بامزه بود اما حالا دیگر یک جمله خنده‌دار نیست. در عوض، تغییر ماهیت داده. بدل به یک قاعده شده که خیلی‌ها بر اساس آن زندگی می‌کنند. همان‌هایی که بنا بر مصلحت روزگار، خودشان را زدند زمین و سینه‌خیز تا ونکوور، لندن و لس آنجلس رفتند و هنوز هم برای نشان دادن علائم حیاتی گاهی فرایند سینه‌خیزشان را تا دورهمی‌های بازیکنان برلین ادامه می‌دهند.



خب مقدمه‌چینی به نظر کافی است، برویم سراصل مطلب؛ همه چیز از ۲۳ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد. همین سه سال قبل.

سال ۱۴۰۱ میزان علاقه به انجام کنش سیاسی در بین هنرمندان بالا گرفت. هرکس بنسب یک منطقی به سمت انجام کنش سیاسی رفت که بنا بر شرایط زمان منطقی هم به نظر می‌رسید. به ماه نگشید که بسیاری از سلبریتی‌ها با کنار هم گذاشتن اتفاقات رفتن را بر ماندن ترجیح دادند و برای این ترجیح توجیهاتی هم داشتند. گزاره ساده‌شان این بود که جمهوری اسلامی می‌رود و در جهان پس از این‌ها باید بچسبیم به آن‌ها که آینده از آن ما باشد. فرخ‌زاد، احسان کرمی، اشکان خطیبی، فرزین صابونی و برزو ارجمند آن‌هایی بودند که کنشگری سیاسی‌شان را لول‌آپ کردند و برای ادامه فعالیت‌های سیاسی‌شان رفتن را بر ماندن ترجیح دادند. حالا که از این کنش سیاسی سه سالی گذشته بد نیست، نتیجه این فعالیت‌ها را امروز بررسی کنیم.

کاغذ را برعکس گرفتی آقای فرخ‌زاد

«وقتی کاغذ مونولوگ را برعکس گرفتی، دیالوگ‌ها را بلندتر بخوان که مخاطب کور شود.» این تک‌جمله شرح است. یک شرح مجمل بر وضعیت این روزهای فرخ‌زاد. شاید فراموش کرده باشیم اما فرخ‌زاد روزگاری ستاره‌ای بود برای خودش و پای ثابت گزارش‌های مجله فیلم. هر چقدر که از دهه ۸۰ عبور کردیم و فرخ‌زاد سسش بالاتر رفت، مسیرش تغییر کرد. او که روزگاری با «عروس آتش»، «به رنگ ارغوان» و حتی «استرداد»، مخاطب کف‌زدن‌های اهالی سینما بود، در اواخر دهه ۹۰ مسیر حرکتش رسید به کمدی‌های درجه‌چندم و تکه‌پراتی‌های جنسی. همه منتظر بودند فرخ‌زاد مسیر حرکتش را احیا کند و به بازی برگردد، اما سقوط فرخ‌زاد با یک تصمیم تکمیل شد. ۲۶ آذر روزنامه ایران نوشت: «حمید فرخ‌زاد تا همین چند روز قبل سر صحنه سریال «سقوط» به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده بود و آن را تمام کرد و دستمزدش را که تمام و کمال گرفت بار سفرش را بست.» فرخ‌زاد درست منتظر ماند تا پولش از سقوط در حساب بشنید و بعد چمدان را ببندد که در دیار غربت دستش خالی نباشد.

صدای از موج خارج شده

احسان کرمی وقتی در ایران بود در کم‌فروغ‌ترین روزهایش به عنوان یکی از مجری‌های پر مخاطب رادیو شنناخته می‌شد. کسی که در روزهای اوجش اجرای خندانندشور را بر عهده گرفت. مجری روزهای دور رادیو هفت، شهریور ۱۴۰۱ تغییری جدی در مدل کاری خود داد و اول موهایش را همراه با موج‌های مجازی از ته تراشید و بعد با پیشنهاد شبکه منوتو مواجه شد. منوتو که منابع مالی‌اش محدود و سپس قطع شد، کرمی هم به دنبال‌روی از فرخ‌زاد کارشناس فرهنگی اینترنت‌شال

مردم عادی، ستاره کارناوال‌های رسانه‌ای

دگرگونی در صحنه سرگرمی و برنامه‌سازی

راضیه حمید

خبرنگار

چند سال اخیر فضای سرگرمی فارسی‌زبان، چه در رسانه‌های سنتی و چه در پلتفرم‌های اینترنتی شاهد شکل‌گیری گونه‌ای تازه از برنامه‌سازی بوده است. در این گونه جدید مردم عادی دیگر تماشاگران منفعل نیستند، بلکه به بازیگران اصلی بدل شده‌اند. برنامه‌هایی همچون «کارناوال» با تولیدات مشابه با محوریت مشارکت مردمی، نشان داده‌اند که چگونه می‌توان مرز میان تولیدکننده و مخاطب را کمرنگ کرد و بستری فراهم آورد که تجربه‌های زیسته افراد عادی، روایت‌های روزمره و حتی لحظه‌های ساده زندگی به عنصر اصلی جذابیت تبدیل شود. این تغییر از یک‌سو باعث دگرگونی در فرم برنامه‌ها شده و از سوی دیگر پیوندی تازه میان رسانه و جامعه ایجاد کرده است.

ستاره‌سازی تازه از دل زندگی روزمره

تا چندی پیش چهره‌های مشهور سینما، موسیقی یا تلویزیون عامل اصلی جذب مخاطب بودند و ستاره‌سازی رسانه‌ای عمدتاً به بازتولید محبوبیت آنان محدود می‌شد. اما امروز مسیر دیگری پیش روی رسانه‌ها قرار گرفته است؛ ستاره‌هایی از دل جامعه، افرادی که نه



مراقب باشید خاک صحنه خفه تان نکند!

اشکان خطیبی روزگاری در کلیپ‌های تبلیغاتی تلویزیون، در جایگاه رزمنده عملیات استشهادی انجام می‌داد و در مستند دوربرگردون محمد طادی در اوایل دهه نود از معایب ماهواره سخن می‌گفت. خطیبی در طول مسیر هنری‌اش از خوانندگی تا بازیگری و اجرا را تجربه کرد و در پایان دهه نود، فعالیت کاری‌اش رفته‌رفته کم شد. خطیبی در اوایل دهه نود موفق عمل می‌کرد اما به جز داور خندانده‌شو و چند تاتار مطرح دیگر به عنوان یک نام

دژاووی تعبیروارونه

فرزین صابونی خیلی دیر به تلویزیونی معرفی شد اما خیلی زود درخشان ظاهر شد. او با بازی در «تعبیر وارونه یک رؤیا» ساخته فریدون جیرانی نقش ماندگاری از یک جوان ساده‌دل بازی کرد که در دام دیسبه‌های جاسوس‌ها و موساد می‌افتد و در نهایت به دست همان‌ها کشته می‌شود. صابونی در اتفاقات ۱۴۰۱ روی موجی که کرمی، فرخ‌زاد و دیگران به راه انداختند سوار شد و چند سال اول به عنوان کارشناس اینترنت‌شال فعالیت کرد اما چون به اندازه فرخ‌زاد،

بازنده خانواده ارجمند

برزو ارجمند چند سال قبل به برنامه مهران مدیری آمد و مدیری از او پرسید آیا می‌خواهی مهاجرت کنی؟ ارجمند شروع کرد به گفتن از آلودگی تهران تا رانندگی نکردن مردم بین خطوط. ارجمند هم مانند فرخ‌زاد روزهای آخر حضورش به عنوان بازیگر در ایران به افول افتاد. مهم‌ترین آثاری که بازی کرد به کارگردانی مسعود ده‌نمکی بود. ارجمند که روزگاری با کارهای مهران مدیری تلاش داشت خودش را به عنوان یکی از بازیگران اثرگذار خانواده ارجمند جا بیندازد اما افتادن در سیر کارهای ضعیف و تجاری‌ای او را به

جوک نیست، سبک زندگی‌مه!

در میان هنرمندانی که در سال ۱۴۰۱ خروج از کشور را بر ماندن ترجیح دادند، فرخ‌زاد بیشترین فعالیت را داشته و نتیجه آن حجم از فعالیت نفرت ۶۷ درصدی از او در توئیتر شده است. بازیگرانی که با یک تحلیل سیاسی غلط خودشان را بدل به کنشگران سیاسی کردند و خیلی زود از جریان حرفه‌ای خارج شدند و حالا دیگر کسر شأنشان می‌آید تعداد مخاطبان تئاتر هایشان را اعلام کنند. گاهی بعضی از جوک‌ها بدل به سبک زندگی آدم‌ها می‌شود. انگار ماجرای آن لطیفه‌ای که فلانی خورد زمین و تا خانه

واقعیت و نمایش، سبک تازه در برنامه‌سازی

آنچه در تولیدات اخیر برجسته است شکل‌گیری سبکی تازه است که بر تلفیق واقعیت و نمایش استوار است. در این قالب زندگی و احساسات افراد عادی به متن برنامه راه می‌یابد، اما برای جذاب‌تر شدن در چهارچوب نمایشی مانند رقابت، چالش یا اجرا بازسازی می‌شود. این رویکرد چند دستاورد دارد؛ از یک‌سو جذابیت و باورپذیری بیشتری برای مخاطب ایجاد می‌کند زیرا شخصیت‌های واقعی در صحنه حاضرند. از سوی دیگر، هزینه‌های سنگین ستاره‌سازی سنتی را کاهش می‌دهد و دست رسانه را برای پرداختن به موضوعات متنوع باز می‌گذارد. با این حال، همین نقطه قوت می‌تواند به چالش تبدیل شود. زیاده‌روی در هیجان‌سازی یا خلق روایت‌های ساختگی برای جلب توجه مرز میان واقعیت و نمایش را مخدوش می‌سازد و گاه مخاطب را نسبت به اصالت تجربه مردمی مردم می‌کند.

«کارناوال»؛ نمونه‌ای از واکنش‌های متنوع

در این میان، برنامه «کارناوال» را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها بررسی کرد. این برنامه با طراحی ساده و مشارکت‌محور توانسته بخشی از مخاطبان را جذب کند به نحوی که عده‌ای آن را تجربه‌ای تازه در سرگرمی می‌دانند که موفق شده صدای مردم عادی را

مطرح بر سر زبان‌ها نماند.

با این حال اتفاقات ۱۴۰۱ او را به این نتیجه رساند که از کشور سرود و کارنامه کاری خود را احیا کند اما خطیبی به جز اجرای چند تاتار نتوانست کاری برای احیای دوران حرفه‌ای خود انجام بدهد و حالا به یک شخصیت توییتری بدل شده که در مهم‌ترین اقدامش با چند توییت درباره محسن چاوشی تلاش می‌کند از فراموش شدن فرار کند.

کرمی و خطیبی شهرت نداشت، از بازی کنار گذاشته شد و حالا هرچند وکت یک‌بار با رسانه‌های خارج‌نشین فعالیت مشترکی می‌کند تا زندگی‌اش بگذرد. حالا انگار اجرای تعبیر وارونه برای صابونی تکرار می‌شود، کسی که گمان می‌کرد در خارج از کشور می‌تواند جهشی در کارنامه کاری خود ایجاد کند به فراموشی سپرده شد و حالا اگر شبکه آی‌فیلم در تکرار هایش تعبیر وارونه را پخش نکند، صابونی هم به فراموشی سپرده می‌شود.

بازیگر درجه‌دو سه در اواخر دهه ۹۰ تبدیل کرد. ارجمند در مهم‌ترین فعالیت‌های هنری خود در چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت و قهوه تلخ بازی‌های خوبی از خود به جا گذاشت اما در نهایت او هم وارد جریان کارشناسان اینترنت‌شال شد و اتفاقات شهریور ۱۴۰۱، بالاخره فرصتی شد تا ارجمند مهاجرت کند. ارجمند هم مسیری که رفت درست با الگوبرداری از کرمی و فرخ‌زاد بود. ارجمند حالا در خارج از کشور کلاس‌های بازیگری به راه انداخته و تلاش دارد سرمایه‌های از دست‌رفته را با راه انداختن کسب‌وکاری تازه در خارج از ایران جبران کند.

سینه‌خیز رفت برای بازیگران مهاجرت‌کرده در حال تکرار است. بازیگرانی که در این سه سال یا به منابع مالی پهلوی متصل شدند و یا کارنامه کاری‌شان را فراموش کردند و اجرای کم و بی مخاطبی را در اروپای غربی، مرکزی و آمریکای شمالی روی صحنه بردند اما هیچ‌گاه نتوانستند از این زمین خوردن بلند شوند. برخی‌ها مثل اشکان خطیبی به خوردن داروهای ضد افسردگی روی آوردند و یک عده هم مثل فرخ‌زاد به دنبال واریزی از عبری‌زبان‌ها افتادند. بله... زندگی بعضی از آدم‌ها خیلی شبیه به جوک است. جوک‌هایی که حالا واقعاً خنده‌دار نیستند.

آینده رسانه در دست مردم

در مجموع می‌توان گفت رسانه‌های فارسی در حال تجربه یک تغییر پارادایم هستند؛ تغییری که ستاره‌سازی از مردم عادی را به محور برنامه‌سازی بدل کرده است. این روند نه تنها سرگرمی را متحول کرده بلکه رابطه رسانه و جامعه را نیز بازتعریف کرده است. مردم عادی امروز دیگر صرفاً مخاطب نیستند، بلکه به بازیگران اصلی صحنه تبدیل شده‌اند. تجربه «کارناوال» و «مخفل» با همه نقاط قوت و ضعفشان نشان می‌دهد این مسیر با استقبال بخشی از جامعه مواجه شده و هم‌زمان نقدهایی را هم به دنبال داشته است. آینده این جریان وابسته به آن است که رسانه‌ها تا چه اندازه بتوانند میان اصالت واقعیت و جذابیت نمایش تعادل برقرار کنند.

